

رابطه علوم غریبه با سیستم عامل ذهن!

گاهی لازم است مخ جمعی یک جامعه تکانی به خود داده و سیستم عاملش را عوض کند. برای این گونه جوامع این تنها راه قدم گذاشتن در مسیر تغییر درست، با هدف بدست آوردن درک علمی تر و ارائه تحلیل درست تر است.



گاهی لازم است مخ جمعی یک جامعه تکانی به خود داده و سیستم عاملش را عوض کند. برای این گونه جوامع این تنها راه قدم گذاشتن در مسیر تغییر درست، با هدف بدست آوردن درک علمی تر و ارائه تحلیل درست تر است.

سیستم عامل چیست؟ مکانیزمی که چهارچوب ذهن کامپیوتر را به گونه ای طراحی می کند که بتواند برابر داده هایی که در اختیارش گذاشته می شود در مسیری درست تصمیم گیری کرده و آنها را تنظیم و به شکل کاربردی ارائه دهد. تعریف فنی آن این است: نرم افزاری است که مدیریت منابع رایانه را بر عهده گرفته و بستری را فراهم می سازد که نرم افزار کاربردی اجرا شده و از خدمات آن استفاده کنند.

همه ما یک سیستم عامل ویژه در مغز خویش داریم. چیزی که داده های حواس و دیگر منابع اطلاعاتی ما را گرفته و در چارچوبی که برای آن طراحی شده قرار داده، آنها را تجزیه و تحلیل کرده و سپس برای استفاده از آن در اراده در اختیار ما می گذارد.

چرا سیستم عامل آدمها با یکدیگر فرق می کند؟ چرا هر کدام آنها برابر داده ها و آگاهی ها، برداشت های مختلف کرده و تجزیه و تحلیلی متفاوت و طبعاً واکنش مختلف از یکدیگر دارند؟

آیا امکان دارد سیستم عامل آدمها را نزدیک به هم کرد؟ آیا در هر دوره زمانی، سیستم عامل ویژه ای وجود دارد که اکثریت جامعه مطابق آن عمل می کنند؟ اگر چنین است، چه باید کرد که در این میانه، حق و حقیقت پایمال نشود. علم در بستر جهل به خواب نرود یا پای دار بی علمی قربانی نگردد؟

وقتی انبوهی از رساله های علوم غریبه را در کتابخانه های بزرگ و کوچک از خطی و چاپی می بینم، و گاهی از روی کنجکاوی یکی از آنها را ورق می زنم، فکر می کنم سیستم عامل مردمی که اینچنین باورهایی داشتند که نه با خرد سازگار است، نه با دین، چه نوعی بوده است!

به نظر می رسد وقتی یک سیستم عامل فاسد بر ذهن یا اذهانی حکومت کند، هیچ عقل و علم و دینی از عهده اصلاح آن بر نمی آید.

اما این سیستم عامل که خمیرمایه آن جهل است و خود را علم و دانایی می نماید، چطور قابل اصلاح است؟ آنان که به ورژن های قدیمی از این نرم افزار عادت کرده اند، و فقط با آن کار می کنند، و همه حق را در آن می بینند، چطور می توانند بفهمند [یا می توان به آنان تفهیم کرد] که باید آن را عوض کرد و در چارچوبی جدید اندیشید و تحلیل کرد؟

ممکن است کسی در آنچه گفته شد تأمل شک آمیز داشته باشد و فکر کند که به هر حال هر آدمی عقل و شعور دارد و همه یکسانند، اما وقتی با بخشی از این رسائل که میراث بزرگی از آثار مکتوب ما را در بخش خطی تشکیل می دهد، انس بگیرد، خواهد دید که سیستم عامل آن مردم چگونه بوده و چرا مخ شان تکان نمی خورده است.

بنده هنوز هم به یاد دارم وقتی در مکتب، عم جزء می خواندیم، صف طولانی زنان بود که در پشت در اتاق معلم ایجاد شده و منتظر بودند تا نوشته ای بدست آنها بدهد و گرفتاری های آنان را با آن نوشته حل کند.

البته نوشتن یک دعا، به عنوان درخواست از خداوند، امری عادی و پذیرفتنی است، اما این رساله ها نشان می دهد که ماجرا چیزی بیش از آن بوده است.

و اینک چند نمونه: (همین عبارات و نقص ادبی آنها نشان می دهد سواد اینها چه قدر بوده است):

اگر خواهی در نزد هر کس عزیز محترم باشی در کاغذ بنویس بر بازوی راست بند و در پیش همه کس عزیز و محترم باشد و بر نان نویسد بر آن کس بر تو دوست گردد

دیگر دعا کند بنویسد آب بیاورد بیندازد بر سر گوسفند [؟] بپاشد و دعا را در گردن گوسفند سر سیاه بندد....

اگر کسی چیز گم شده یا دزدی برده باشد این طلسم را بر کف دست راست شب شنبه بنویسد بخوابد و نزد [شاید: دزد] را در خواب ببیند شک نیست و الله....

باب دیگر جهت کرم باغ بر هفت پاره چوب بنویسد بر باغ اندازد مجرب است...

یک صفحه و چند توصیه هم برای کسانی که دوست دارند کسی عاشق آنها شوند....

